

# رفع یک اشتباه در باره نقش ناظم

حسام کشاورز

دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس

## چکیده

دکتر سیروس پرهام، در جلد اول کتاب «دستبافت‌های عشایری و روستایی فارس» اشاره می‌کند که نقش «ناظم» قشقایی را در بازار فرش تهران به نام «حاج خانمی» می‌شناسند. نگارنده در این پژوهش سعی بر آن داشته است که به روش توصیفی-تحلیلی و با گردآوری اطلاعات به صورت میدانی این حقیقت را آشکار سازد که سهوی در این مورد روی داده است و ناظم با حاج خانمی فرق دارد. طرح حاج خانمی یک نقش لچک ترنج با شبکه‌های لوزی‌سان از گل‌های چند پر است که حوالی یک سده پیش در کاشان ابداع گشته و بعد به دیگر مناطق شهری بافت رسیده است. در مقابل، ناظم طرحی یک دوم است که اغلب در میان طایفه کشکولی از ایل قشقایی بافته می‌شود و سنتزی است از شیوه‌های نقش‌پردازی ایلیاتی و شهری. در ناظم نیم‌سروهای مشبک بر کناره‌ها جای گرفته‌اند و پرده‌ای پر چین و شکن طرح را بر روی زمینه‌ای از یک گلدان هزار گل می‌گشاید. نقش‌های ناظم و حاج خانمی هویت‌های مجزا دارند.

## مقدمه

بیش از سه دهه پیش، برای نخستین بار در ادبیات فرش، دکتر سیروس پرهام، پژوهشگر و فرش‌شناس بلندپایه ایرانی، مطلب دقیق و عالمانه‌ای درباره نقش «ناظم» و حواشی پیرامون آن در جلد اول و نیز ملحقات جلد دوم کتاب «دستبافت‌های عشایری و روستایی فارس»<sup>[۱]</sup> به دست داد. فرش‌شناس در آنجا، در آغاز مبحث اشاره کرده است که «این طرح، که در میان ایل قشقایی و نیز فرش‌شناسان شیراز به «ناظم»-و یا «یک سر ناظم» مشهور است، در بازار تهران به «حاج خانمی» معروف شده [است]...» (پرهام، ۱۳۶۴: ۱۴۶).

تا جایی که می‌دانم، از سیسل ادواردز به بعد، این شیوه در ادبیات فرش‌شناسی رایج گشت که پژوهشگر در هر منطقه‌ای برای تحقیق میدانی، یکی از منابع غنی شفاهی را بازار فرش آن منطقه در نظر می‌گرفت. نویسنده کتاب «قالی ایران»<sup>[۲]</sup>، به‌رغم کار کم و بیش عینی و علمی شایسته، در قسمت‌هایی دچار سوء تعبیر، اشتباه و خبر نادرست هم شده است و شاید توجیه سهوهای او این

۱-رک به: سیروس پرهام، دستبافت‌های عشایری و روستایی فارس، جلد اول، نشر امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۴، صص. ۱۸۵-۱۴۶ و نیز جلد دوم، ۱۳۷۱، صص. ۳۳۵-۳۱۷.

۲-رک به: سیسیل ادواردز، قالی ایران، ترجمه مهیندخت صبا، انجمن دوستداران کتاب، تهران، ۱۳۵۷.



باشد که وی در بازار پای صحبت فرش فروشان می‌نشسته و به قول پرهام «...عکس چیزهایی را انداخته که به او نشان داده‌اند» (پرهام، ۱۳۷۵: ۸۰).  
 غرض نقد کار ادواردز نیست چرا که نه موضوع این مقاله است و نه بحث مناسبی برای تاریخ امروز؛ بلکه دست گذاشتن بر روی شیوه‌ای از پژوهش در فرش است که پایه‌های آن بر ستون‌های ادبیات شفاهی مستحکم می‌گردد. به معنای دیگر، یک گونه ادبیات شامل تجربیات و اندوخته‌های بازاریان، بافندگان و دیگر دست‌اندرکاران فرش بافی. این شیوه، که به حق برای مستند کردن دانش فرش‌شناسی و نیز کمک به شناخت نقاط تاریک و گرد و غبار گرفته آن حیاتی است، بر اساس ماهیت خویش، گاه پژوهشگر را به اشتباه نیز می‌اندازد.

نخستین بار در بازار فرش تهران از فروشنده‌ای نسبتاً کهنه‌کار شنیدم که، به رغم گفته پرهام، نقش ناظم با حاج خانمی فرق دارد. توجیه آنچه هنرشناس و نظریه‌پرداز پرآوازه‌ای همچون پرهام، در این مورد به آن گرفتار آمده، شاید مشابه وضعیت ادواردز باشد؛ با این تفاوت که پرهام دانش شفاهی ارائه شده به خود را بر مبنای یک استدلال ظاهراً موجه استوار کرده است: «ظاهراً اصطلاح «حاج خانمی» که در بازار تهران به قالیچه‌های ناظم کَشکولی اطلاق می‌شود به لحاظ اهتمایی است که وی [حاجی خانم جهان آرابی بی] در احیای فرش بافی قشقایی کرده است» (پرهام، ۱۳۶۴: ۱۹۶). آشکار است که نظریه‌پرداز نامدار فرش بافی عشایری و روستایی فارس، در بازار تهران با مسأله نسبت اصطلاح حاج خانمی به نقش ناظم روبرو گشته است و با علم به اینکه جهان آرابی بی قشقایی<sup>۱۳</sup>، از زنان بلندمقام عشایر، دستی در احیای فرش قشقایی داشته است، اصطلاح حاج خانمی را برگرفته از نام او دانسته و بنابراین در درست بودن این نسبت شک نکرده است. البته به دلایلی که در توصیف نمونه‌های ناظم و یک گونه از نقش حاج خانمی خواهیم دید، به نظر می‌رسد برخی عناصر مشترک نقش‌پردازی نیز در توجیه این نسبت بی‌تأثیر نبوده است. آنچه در اینجا برای ما مهم می‌باشد این است که به‌رغم همه این نسبت‌ها، حاج خانمی طرحی کاملاً مستقل از ناظم است که بر عکس ناظم، شهری‌بافت است و داستان دیگری دارد.

برای اینکه استقلال حاج خانمی را از ناظم نشان بدهیم ناگزیریم در آغاز تا حد لزوم به خود نقشه ناظم بپردازیم- هر چند در این مقاله تأکید زیاد بر این بخش موردی ندارد، اما با این کار تفکیک مورد نظر نویسنده این سطور ممکن خواهد شد. پس از آن به معرفی نقش حاج خانمی و گونه‌شناسی آن می‌رسیم.

### نقش ناظم

نقش ناظم، که بافتن آن در آغاز منحصر به بافندگان طایفه کَشکولی از ایل قشقایی بوده است و بهترین نمونه‌های موجود نیز بافت کَشکولی هاست- اساساً طرحی طاق‌دیزی است که دو نیم سروستون مشبک بر کناره‌های آن، نقش را بیش از پیش الهام گرفته از هنرهای کهن ایرانی می‌نمایاند و در اولین نگاه طاق‌دیزت رو به گلستان پرهام هنرمندانه

۱۳- این زن هنرمند و حامی هنرها همان خدیجه بی بی همسر اسماعیل خان صوت‌الدوله قشقایی می‌باشد.

طاق‌دیس فراز نقش را پرده‌ای چین چین شده می‌داند که به گل درختی (گلستانی) انبوه گشوده گشته است (پرهام، ۱۳۷۵: ۶۷). عنصر اصلی زمینه نقش، گلدانی است به ظاهر معلق که انبوهی از شاخه‌های گل از آن به آسمان خرامیده است و به همین سبب ناظم را به خصوص در ادبیات فرش گاه با اصطلاح «هزار گل ناظم» نیز می‌شناسند. این شاخه‌های شکسته و نیمه شکسته سراسر طرح را فرا گرفته‌اند و اغلب با تک گلی چندبر به رأس طاق منتهی می‌شوند. بخش تپه مانند زیرین گلدان نیز بوته‌زاری از گل‌های چندشاخه را به تصویر می‌کشد.



تصویر شماره ۱: قالیچه ناظم قشقایی، کتیمیه «فرمایش سردار عشایر ۱۳۳۹ هـ»، موزه فرش تهران، تصویر از نگارنده

بنابر آنچه پرهام نوشته است، بافت قدیمی‌ترین نمونه‌های ناظم قشقایی به شکل کنونی آن- تا حوالی نیمه‌های سده سیزدهم هجری امتداد دارد (پرهام، ۱۳۷۵: ۱۰۰). روایت‌های موجود درباره منشأ این نقش، آن را الهام گرفته از یک بنا در شیراز می‌دانند که ساختار این روایت‌ها بیشتر به افسانه می‌ماند<sup>۱۴</sup> (ناگفته آنکه برخی پژوهشگران غربی منشأ نقش ناظم را «مغولی-هندی» می‌دانند که اعتباری ندارد و البته به این موضوع نخواهیم

۱۴- یک روایت چنین می‌پندارد که ناظم‌الملک نامی در شیراز خانه‌ای داشته که معماری سردر آن بسیار زیبا بوده و این در به باغ بزرگی باز می‌شده است. جهان بی بی با دیدن و الهام از این سردر این نقش را وارد قالی قشقایی می‌کند که بعدها به نقش ناظم مشهور شده است. روایت اول را پرهام در کتاب خویش نقل کرده است. دیگر روایت که جدیدتر است این طرح را به یک خانواده از طایفه کَشکولی نسبت می‌دهد: ناظم از فرش‌های کَشکولی در سال ۱۲۶۰ هجری توسط دختر هنرمند و باسوادی از نسل پنجم پیشین خانواده محمدی کَشکولی به نام نگار (نگار دوم) دختر حاج بهرام کرمانی با الگو قراردادن سردر ورودی عمارت یکی از باغ‌های مشهور شیراز بافته شده است.

قالیچه‌های بته‌ای و محرمت کشکولی نیز کم و بیش کاربرد دارد، گاه جای حواشی سنتی اصلی ناظم را می‌گیرد. در نمونه تصویر شماره ۹ که اخیرتر می‌باشد، چین خوردگی پرده طاق‌دیس نقش به صورت پلکانی درآمده و حاشیه گنجشکی بر اطراف قالیچه به عنوان حاشیه اصلی نقش بسته است [۶].



تصویر شماره ۴: کتیبه فرش تصویر شماره ۲ «فرمایش آقای خسرو قشقایی»  
تصویر شماره ۳: کتیبه فرش تصویر شماره ۱ «فرمایش سردار عشایر ۱۳۳۹»



تصویر شماره ۵: پرده‌های چین خورده به همراه نقشمایه نعلبکی و گل هشت‌پر درون آن.



تصویر شماره ۶: حاشیه خوشه انگوری یا سنبل و ده گل.



تصویر شماره ۷: حاشیه فرعی سه گل سه غنچه



تصویر شماره ۸: حاشیه موسوم به گل شاه‌پسندی

اکنون می‌توانیم مهم‌ترین ویژگی‌های هویت ساز نقش ناظم را مرور کنیم تا از پی آن تفاوت بارز این نقش را با حاج خانمی اثبات کنیم: ۱- پرده-طاق‌دیس پر چین و شکن فوقانی ۲- نقشمایه «نعلبکی» بر میانه پرده‌ها (لچک‌ها) ۳- گلدان هزار گل ۴- نیم سروستون‌های مشبک بر کناره‌های زمینه ۵- گلزار تپه سان هرم شکل در زیر گلدان در حالتی منفک از زمینه ۶- حاشیه‌های «خوشه انگوری»، «سه گل سه شاخه» و «گل شاه‌پسندی».

۶- بعضی بافندگان قشقایی، و شاید غیر کشکولی، از چند دهه پیش، نیمه دختانی نقش ناظم (قسمت سرو و گلدان) را در نیمه فوقانی فرش تکرار کرده و نقشی ابداع کرده‌اند که به «دوسرناظم» مشهور شده است.

پرداخت) [۵]. تصاویر شماره ۱ و ۲ دو نمونه از بهترین قالیچه‌های ناظم کشکولی را نشان می‌دهند.

نمونه نخست، کتیبه «فرمایش سردار عشایر» و تاریخ ۱۳۳۹ [هق] را بر خود دارد و فرشی است که به سفارش اسماعیل خان صولت‌الدوله (مشهور به سردار عشایر) بافته شده است و دیگری که کتیبه «فرمایش آقای خسرو قشقایی» را بر فراز آن بافته‌اند، سفارشی است برای پسر دوم صولت‌الدوله (تصاویر شماره ۳ و ۴).



تصویر شماره ۲: قالیچه ناظم قشقایی، کتیبه «فرمایش آقای خسرو قشقایی»، نیمه دوم سده چهاردهم هجری، موزه فرش تهران، تصویر از نگارنده.

در لچک‌های پرده چین خورده در فراز نقش، گلی هشت‌پر در داخل نقشمایه مشهور به نعلبکی قرار گرفته است (تصویر شماره ۵). این لچک و نقش مرکزی آن ویژگی بارز قالی‌های ناظم است که زنان و دختران کشکولی گاه در قالیچه‌هایی با نقش «بته قبادخانی» نیز آن را به همین شکل بافته‌اند. حاشیه «خوشه انگوری» یا «سنبل و ده گل» (تصویر شماره ۶) بر زمینه قهوه‌ای سوخته همراه با دو حاشیه فرعی «سه گل سه غنچه» (تصویر شماره ۷) و گاه یک حاشیه مضاعف به نقش «گل شاه‌پسندی» (تصویر شماره ۸) که به ظاهر از ابداعات جهان آرابی می‌باشد، عمده عناصر حاشیه‌پردازی نقش ناظم را تشکیل می‌دهند (پرهام، ۱۳۷۵: ۱۰۰).

در نمونه‌های امروزی حاشیه «گل و بلبل» یا «گنجشکی»، که در ۵- دکتور پرهام اصل طرح را ایرانی می‌داند که در فرش‌های جوشقان و فراهان از سده دوازدهم هجری دیده می‌شود- و به همت هنرمندانی که همایون شاه پس از پناهندگی به ایران صفوی با خود به همراه برد، به فرش بافی گورکانی راه یافت. نویسنده «دستیافت‌های عشایری و روستایی ایران» که‌ن‌ترین گلدان هزارگل و طاق‌دیس پرده پر چین و شکنش را در اسمرهای کاشی کاری استاد قوام‌الدین شیرازی در مسجد گوهرشاد مشهد- به تاریخ ۸۲۱ هق یافته است. به یک معنا، دوست سال پیش از که‌ن‌ترین قالیچه هزارگل و «شبه ناظم هندی». رک به: سیروس پرهام، شاهکارهای فرش بافی فارس، سروش، تهران، ۱۳۷۵، ص ۶۷.





تصویر شماره ۹: قالیچه ناظم با حاشیه گنجشکی، دهه ۱۳۹۰ شمسی، نمایشگاه دستبافت های عشایری کاخ سعدآباد، تهران، ۱۳۹۰، تصویر از نگارنده.



تصویر شماره ۱۰: قالیچه کاشان با نقش حاج خانمی (بخشی از قالیچه)، بافت محتشم، نیمه اول سده سیزدهم هجری، مجموعه سیدیان، تهران، تصویر از نگارنده

فرش ها نیز می باشد (تصویر شماره ۱۱). این گل های چند پر ریز رایاس می دانند که به صورت نه گانه با خطوط مستقیم دو به دو به یکدیگر پیوسته اند و تشکیل لوزی داده اند. این شبکه ها خود در داخل یک شبکه متقاطع بزرگتر و به ظاهر نامنظم قرار گرفته است که در حقیقت اساس طرح می باشد و عناصر تشکیل دهنده آن شامل خطوط باریک و مستقیم اسلیمی وار و یک نقشمایه قاب مانندشش ضلعی، شبیه ترینات جلد های کهن، می باشد که به ترنج و سر ترنج متصل گشته اند (تصویر شماره ۱۲).

مقایسه نقش ناظم کشکولی و ویژگی های نقش پردازی آن با آنچه که در ادامه در قالیچه های موسوم به «حاج خانمی» خواهیم دید، نشان می دهد که یکسان دانستن این دو نقش درست نیست. به یک معنا، تا جایی که به این مقاله مربوط می شود، حاج خانمی ارتباط مستحکمی با نقش ناظم ندارد.

### نقش حاج خانمی

قدیم ترین قالیچه هایی که نقش حاج خانمی را بر خود دارند، بنا بر شواهد به اواخر دوره قاجار و به ویژه دهه های پایانی حکومت ناصرالدین شاه برمی گردند. بنابراین ناظم کهن تر از این نقش است. درباره پیدایش نقش حاج خانمی، همچون ناظم، روایت های شبه مستند و گاه قصه ماندنی وجود دارد<sup>[۷]</sup>. اما به احتمال قریب به یقین کاشان محل پیدایش این نقش بوده است، چه اینکه کهن ترین، اصیل ترین و بهترین نمونه های آن بافت کاشان هستند. حاج خانمی پس از ابداع، به وسیله «محتشم»، تولیدکننده و برند مشهور فرش کاشان در اواخر قاجار، بافته می شود و بعدها در قزوین، شخصی به نام اعتمادی که از بافته های قدیمی محتشم به عنوان الگو بهره می جسته است، این نقش را به بافندگان خود سفارش داده است.

شواهد نشان می دهد که ادواردز قالیچه ای با نقش حاج خانمی ندیده است و بنابراین در کتاب او به این نقش نه در بخش کاشان و نه در مناطق دیگر اشاره نشده است؛ هر چند ناظم نیز در کتابش به همان گمنامی است. نگارنده در کتاب های مطرح فرش شناسی -چه به زبان فارسی و چه زبان های دیگر- به نقش حاج خانمی برنخورده است. تنها در سال های اخیر در یک کتاب، نویسنده به شیوه سنتی کتاب های فرش که انبوهی از نقوش یک منطقه را فهرست وار در ذیل نام یک منطقه می آورند، حاج خانمی را در کنار دیگر طرح های منطقه کاشان قرار داده است. ولی ماجرا به همین جا ختم می شود و نه تصویری و نه توضیحی از پس آن آورده نمی شود (حشمتی رضوی، ۱۳۸۷: ۳۶).

در چهار فرشی که نگارنده به عنوان قالیچه حاج خانمی شناسایی کرد، اساس طرح در سه نمونه لچک ترنج است. تصویر شماره ۱۰ یکی از اصیل ترین قالیچه های حاج خانمی رامی شناساند.

در این نمونه، ترنج لوزی سان مرکزی خود مملو از شبکه های لوزی شکل گل های هشت پر و چهار پری است که نقشمایه درون ترنج خورشید ماندنی را محصور کرده اند. درونی ترین نقشمایه ترنج یک گل شانزده پر مشعشع است.

شبکه های لوزی سامان یافته از گل های چند پر، مهم ترین ویژگی نقش حاج خانمی است که عنصر غالب زمینه و لچک های جانبی این گونه

۷- در میان بازاریان قدیمی بازار فرش تهران مشهور است که «یک کلیمی در کاشان زنش دچار یک بیماری سخت می شود. نذر میکند اگر زنش خوب شود مسلمان شوند. در پی شفا یافتن زن، آن ها مسلمان می شوند که در کاشان اصطلاحاً به آن ها «جدید» -یعنی تازه مسلمان شده- می گویند. پس از آن زن به خانه خدا مشرف می شود. یکی دو سال بعد، آن زن عنوان می کند که چون «حاج خانم» شده می خواهد یک جفت قالیچه را طراحی کرده، بیافد و به خانه خدا هدیه کند. آن فرش ها اکنون در موزه های در مکه هستند (؟). این نقشه بعدها از روی آن چند فرش دیگر در کاشان بافته شده و به مرور آنگ «حاج خانمی» می گیرد. آشکار است که این روایت جنبه استنادی ندارد و از این نظر مشابه قصه هایی است که اطراف نقش ناظم ساخته شده است و می تواند دستاورد بحث های بازاریان باشد.



تصویر شماره ۱۳: نخل‌های و نیم‌نخل‌های موجود در زمینه و لچک‌های قالیچه حاج خانمی  
تصویر شماره ۱۰.



تصویر شماره ۱۱: دو نمونه از لوزی‌های سامان یافته با گل‌های چندپر در قالیچه حاج خانمی  
تصویر شماره ۱۰.

نقشمایه دیگر که در لچک‌ها بافته شده، در آغاز بید مجنون را تداعی می‌کند، اما با توجه به تنه و سر درخت و برگ‌های آن، نخل است؛ نخلی که ویژگی مهم دیگر نقش حاج خانمی می‌باشد. این نخل‌ها در بخش زیرین و فوقانی ترنج نیز دیده می‌شوند و در اطراف زمینه نیز به صورت نیمه به کار رفته‌اند (تصویر شماره ۱۳). تنها نقشمایه مشترک این نمونه با ناظم‌های قشقایی گل هشت پری است که به صورت دوگانه در اطراف سرترنج‌ها آرمیده است (تصویر شماره ۱۴). در حاشیه اصلی نقش، این گل هشت پری در میان برگ‌های دوگانه هراتی-سان جای گرفته و به همراه گل چلیپایی چهار پری که به وسیله چهار نیم برگ محصور گشته است حاشیه‌ای بازوبندمانند به وجود آورده‌اند (تصویر شماره ۱۵). به خاطر بیاوریم که در ناظم‌های قشقایی گل هشت پری یاد شده در درون نقش نعلکی و در مرکز پرده طاق‌دیس‌ها به کار می‌رفت. حاشیه‌های فرعی این نمونه شامل دوردیف باریک از نقش «ماهی نیم-گل» و دوردیف نقش مشهور «مداخل» است.

ممکن است ابهامی در اینجا پیش بیاید: چرا باید در یک طرح قشقایی و یک طرح شهری بافت منطقه کاشان نقشمایه مشترک یافت شود؟ به این سؤال می‌توان پاسخ صریحی داد. در میان قشقایی‌ها، طایفه کشکولی به سنتز طرح‌های شهری و عشایری مناطق دیگر و به ویژه هم‌جوار خویش و ایللیاتی کردن و شیوه‌یافته کردن آن‌ها شهرت دارد. چنین است که به جز ناظم، نقش ماهی درهم کشکولی نیز حاصل همین فرآیند است. به یک معنا، اگر ناظم را طرحی سامان یافته و منشأ آن را تمدن شهری تلقی کنیم (چشم‌انداز طرح و عناصر آن این تصور را قوت می‌بخشد)، آنگاه مسأله تحول این نقش و تغییر و تطور آن در طی زمان پیش می‌آید. دکتر پرهام به تفصیل سیر تحول این نقش را به دست داده است (پرهام، ۱۳۶۴: ۱۸۵-۱۴۸؛ جلد دوم، ۱۳۷۱: ۳۳۵-۳۱۷). از مجموع استدلال‌های او پیداست که ناظم اصلیت ایرانی دارد و نمونه‌هایی که برای اثبات این مطلب می‌آورد در مجموعه‌ای از هنرهای گوناگون جای می‌گیرد. پرهام درباره منشأ نقش ناظم می‌گوید: «نقش ناظم کشکولی می‌تواند «سنتز» برخورد و اختلاط نقشمایه‌های صفوی در هنر قالی‌بافی شهری و غیر عشایری از یک سو و هنرهای پارچه‌بافی، ترمه‌دوزی، قلمکار، مرواریددوزی و نقاشی و کاشی‌کاری از سوی دیگر باشد. این نقش دلاویز سحرآمیز، هم می‌تواند از قلمکار و زری اصفهان و ترمه یزد و کرمان و پارچه‌های ابریشمین یزد قرن یازدهم برخاسته باشد، هم از قالیچه‌های گلدانی جوشقان و کرمان و فراهان و تبریز و هم از مکتب نقاشی و کاشی‌کاری شیراز قرن دوازدهم و حتی از همه این هنرها و همه این جاها و همه این دوران‌ها.» (پرهام، ۱۳۶۴: ۱۶۰-۱۵۹). بنابراین جای تعجب نیست برخی نقشمایه‌های شهری مناطقی مانند کاشان و جوشقان و فراهان، از



تصویر شماره ۱۲: بخشی از شبکه متقاطع زمینه به همراه قاب مضرس در فرش تصویر شماره ۱۰



تصویر شماره ۱۴: نقشمایه گل هشت پری در فرش تصویر شماره ۱۰  
(نقشمایه مشترک میان نقش ناظم و حاج خانمی)





تصویر شماره ۱۸: نقشمایه نخل در قالیچه حاج خانمی تصویر شماره ۱۷  
(قیاس کنید با تصویر شماره ۱۳)



تصویر شماره ۱۹: شبکه‌های لوزی-حسان سامان یافته از گل‌های چندپدر چلیپایی در قالیچه حاج خانمی تصویر شماره ۱۷ (قیاس کنید با تصویر شماره ۱۱)



تصویر شماره ۱۵: حاشیه اصلی و حاشیه‌های فرعی در قالیچه تصویر شماره ۱۰  
(بیرونی ترین حاشیه فرعی مداخل می‌باشد و دیگری موسوم به ماهی نیم‌گل)



تصویر شماره ۱۶: قالیچه کاشان با نقشه حاج خانمی، نیمه اول سده سیزدهم هجری، مجموعه خصوصی، تصویر از نگارنده.



تصویر شماره ۱۷: قالیچه قزوین با نقش حاج خانمی، نیمه دوم سده سیزدهم هجری، مجموعه سیدیان، تهران، تصویر از نگارنده.

جمله گل هشت پر نقش حاج خانمی، به قالی بافی قشقایی راه باید. عکس این نظر یعنی حرکت این طرح‌ها و نگاره‌ها از میان قشقایی‌ها به مناطق غیر عشایری، اعتبار چندانی ندارد، زیرا ناظم از معدود نقش‌های منتظم قشقایی و حاصل التقاط فرهنگ‌ها می‌باشد و دستبافت‌های قشقایی به‌طور عمده ذهنی بافت و دست آورد چیدمان ذهنی نگاره‌های پراکنده‌اند.

نظام طراحی عمده قالیچه‌های حاج خانمی کاشان به همین ترتیبی است که شرح آن در نمونه قبل آورده شد. نمونه تصویر شماره ۱۶ یکی دیگر از این گونه قالیچه‌هاست. در اینجا همان نخل‌ها و شبکه‌های لوزی-حسان گل‌های یاس چندپدر و نیز شبکه متقاطع از خطوط باریک به همراه قاب‌های شش ضلعی که زمینه را به چند قسمت نامساوی تقسیم نموده است، به چشم می‌خورد، با این تفاوت که نخل‌ها این بار در رأس‌های زیرین و برین پرده‌ها جای شبکه‌های لوزی را گرفته است. ویژگی منحصر به فرد دیگر این فرش، شاخه‌های گل است که به تناسب طرح در اطراف سرترنج‌ها و قاب‌های شبکه زمینه خودنمایی می‌کند. حاشیه‌پردازی به صورت نوار پیچ در پیچی از گل‌های چندپدر و شاه عباسی به همراه خطوط محیطی آبی روشن اطراف زمینه را فرا گرفته است که کاملاً متمایز از حاشیه نمونه قبل می‌باشد.

گونه‌ای دیگر از این نقش را، همچنان که گفتیم، در قزوین با الگوبرداری از بافته‌های «محتشم» می‌یافتند. بارزترین تفاوت این گروه با گروه قبل در این ویژگی خلاصه می‌شود که سراسر طرح، از درون ترنج گرفته تا تمامی زمینه و بخش بزرگی از لچک‌ها، مالمال از شبکه‌های لوزی-حسان گل‌های چندپدر در اندازه‌های کوچک‌تر و ظریف‌تر از قبل می‌باشد (تصویر شماره ۱۷).

نقشمایه‌های این گروه تجرید و انتزاع را به حد کمال رسانده است؛



تصویر شماره ۲۲: قالیچه کاشان با نقش حاج خانمی، اواخر سده سیزدهم هجری، مجموعه مطلق، تهران، تصویر از نگارنده.

نباید فراموش کرد که نقشه جوشقان، علاوه بر خود این منطقه از حدود یکصد سال پیش در قزوین و فراهان و چند جای دیگر بافته می شده است و تأثیر آن در قالیچه های حاج خانمی قزوین، که خود اصالت کاشانی دارند، دور از احتمال نیست. هر چند ظرافت و لطافت بالای طرح حاج خانمی قابل قیاس با نقشه جوشقانی، در نمونه های متداول آن، نیست. اما شاید خواننده علاقمند به این پرسش برسد که سبب سهو بصری بازاریان تهران و به ویژه آنکه برای دکتر پرهام، نقش ناظم را مترادف با حاج خانمی دانسته، چه بوده است؟ من در بازار فرش تهران به قالیچه ای منحصر به فرد از کاشان با نقش حاج خانمی دست پیدا کردم که پاسخ این سؤال را به روشنی می دهد (تصویر شماره ۲۲).

در این نمونه نیم سروهایی به شیوه ناظم ولی به شیوه ای واقع گراتر و



تصویر شماره ۲۳: نیم سروه و سروه طبیعت گرایانه در قالیچه حاج خانمی تصویر شماره ۲۲.

تصویر شماره ۲۴: نیم سروه های تجریدی قالیچه های ناظم در تصاویر شماره ۱ و ۲.



تصویر شماره ۲۰: حاشیه اصلی و حواشی فرعی در قالیچه تصویر شماره ۱۷.



تصویر شماره ۲۱: ردیفی از نقشمایه گل چهارپر در قالیچه حاج خانمی تصویر شماره ۱۷ (قیاس کنید با تصویر شماره ۱۴)

نخل ها دیگر شاخ و برگ ندارد و تنها رأس آن ها مشخص شده است (تصویر شماره ۱۸)؛ دیگر خبری از شبکه متقاطع و پیچ در پیچ زمینه نیست و جای آن را لوزی های مملو از گل های چندپر گرفته اند، ضمن آنکه گل های چند پر در این فرش ها پره های خویش را از کف داده و به تمامی تبدیل به علامت های چلیپایی ظریف و کوچک گشته اند (تصویر شماره ۱۹).

تفاوت دیگر این شبکه های لوزی سان با گروه کاشان، در تعداد گل هاست که در کاشان حداکثر نه گل داشتند و در اینجا به سبب کوچک شدن، به بیست و پنج گل افزایش یافته اند؛ به معنای دیگر، پنج ردیف پنج تایی. لچک ها و ترنج فرش با زمینه تنها به وسیله خطوط پیرامونی و سفید رنگ باریک مرز بندی شده اند. و به یک معنا، به نظر می آید ترنج فرش و لچک های آن به زمینه الصاق گردیده اند، چرا که بخش هایی از لوزی ها را در محدوده مرز خویش پوشانده اند. حاشیه اصلی از حرکت ساقه هایی مقطع نظام یافته است که در فضاهای میان آن ها لوزی های طرح - با کمی اهمال و ناشیانه و در حالی که چند گل خویش را در حین جایابی از دست داده اند - در مجاورت دو گونه گل بزرگ شاه عباسی قرار دارند (تصویر شماره ۲۰). اطراف این حاشیه را دو ردیف باریک از حاشیه ماهی نیمگل احاطه کرده است. از نقشمایه های دیگر این فرش نقشمایه چهارپر است (تصویر شماره ۲۱) که به نظر نقشی برخاسته از گل هشت پر تصویر شماره ۱۴ می باشد.

در باره شباهت این گونه از نقش حاج خانمی به نقش جوشقان، که گمان آن از ظاهر نقش می رود، باید این نکته را لحاظ کرد که صرف شبکه بندی لوزی سان در زمینه دو نقش نمی تواند دلیل محکمی برای تصویر یک منشأ یکسان باشد. از سوی دیگر، شبکه های لوزی سان گلهای در نقشه های جوشقانی نظم و انسجام و نیز پیوستگی موجود در نقش حاج خانمی را ندارد و اغلب فضای خالی زیاد در میان لوزی ها مشاهده می شود که به وسیله رنگ زمینه پوشش داده شده است. یک تمایز دیگر، خطوط محیطی موجود در اطراف شبکه های لوزی در نقشه های جوشقانی است که در مقابل، نمونه های حاج خانمی رها از این خطوط هستند. از جانبی،





تصویر شماره ۲۷: لچک‌های فراز قالیچه حاج خانمی کاشان در تصویر شماره ۲۲ (قیاس کنید با تصویر شماره ۵)



تصویر شماره ۲۸: گلدان مرکزی و گلدان‌های فرعی در قالیچه حاج خانمی تصویر شماره ۲۲.

طبیعت گرایانه در اطراف زمینه جای گرفته است. این سروها به صورت کامل در چهارگوشه حاشیه اصلی فرش نیز قرار دارند. در ناظم‌ها این سروها کاملاً تجربیدی و انتزاعی و مضرس هستند، طوری که گاه با ستون اشتباه می‌شوند و هیچگاه در حاشیه به کار نمی‌روند (تصاویر شماره ۲۳ و ۲۴).

بخش زیرین زمینه در یک شکل زیگزاگ-مانند انباشته از گل‌های چندپیر یاس است. این زمینه متناظر با بوته‌زار تحتانی نقش ناظم در نظر گرفته شده است. در اینجا برعکس، بوته‌زار ناظم طبیعی‌تر و به تپه شباهت بیشتری دارد (تصاویر شماره ۲۵ و ۲۶).



تصویر شماره ۲۵: گلزار یاس در قالیچه حاج خانمی تصویر شماره ۲۲.



تصویر شماره ۲۶: بوته‌زار مملو از گل‌های چندشاخه در قالیچه ناظم تصویر شماره ۱.

لچک‌های فوقانی که در میان‌شان ستاره هشت پری جای گرفته و یک کوشک در داخل آن دیده می‌شود (و ممکن است تداومی‌کننده یکی از خانه‌باغ‌های کاشان باشد)، پرده‌های پر چین و شکن ناظم پنداشته شده‌اند. این لچک‌ها به دو دلیل نمی‌توانند پرده باشند. نخست آنکه خمیدگی پرده‌سان نمونه‌های ناظم را ندارند و کاملاً سه‌گوش هستند. دیگر آنکه چین و شکن آن‌ها ظرافت پرده‌های کنارزده ناظم کشکولی را ندارد (تصویر شماره ۲۷). زمینه فرش خود ابهام دیگری ایجاد کرده است؛ چه اینکه گلدان مرکزی که مزین به پانزده گل چند پر دسته شده است، و نیز پنج گلدان دیگر زمینه، ممکن است گلدان هزار گل ناظم را به ذهن متبادر سازد (تصویر شماره ۲۸). اما گلدان ناظم بسیار شیوه‌یافته‌تر و تجربیدی‌تر از این نمونه‌ها است و همیشه یکی می‌باشد و نه تنها هیچ‌گاه گل‌های دسته شده در آن جای داده نمی‌شود، بلکه همواره هزار-گل‌های ناظم تنها به وسیله ساقه‌ها با گلدان اصلی پیوند دارند (تصویر شماره ۲۹).

شاخه‌های مملو از گل‌های چندپیر که در اطراف گلدان‌ها دیده می‌شوند، ما را به یاد قالیچه حاج خانمی تصویر شماره ۱۶ می‌اندازد. اساس حاشیه اصلی این دستبافت مشابه حاشیه غالب نقش‌های ناظم یعنی «خوشه انگوری» می‌باشد، اما در این قالیچه گل مرکزی حاشیه جای خود را به تاج گل و گلدان یک طرفه داده است. ضمناً آنکه شاخه‌های گل در اینجا بسیار طبیعت‌گرایانه‌تر از حاشیه‌های ناظم کشکولی است (تصویر شماره ۳۰).

بنابراین به‌رغم شباهت‌های ظاهری این قالیچه فاخر به نمونه‌های ناظم قشقایی، تفاوت‌های بنیادی در طرح و نقش آن‌ها دیده می‌شود. نگارنده



می دانم که لفظ حاج خانی تحریف شده حاج خانمی است. اما اینکه آن قالیچه حاج خانمی است یا نه، موضوع دیگری می باشد، چه اینکه زمینه آن با وجود داشتن شبکه خطوط متقاطع و نقشمایه هایی مانند نخل های شیوه یافته، فاقد عنصر هویت ساز نقش حاج خانمی یعنی شبکه های لوزی-سان متشکل از گل های چندپر است. در حقیقت آن قالیچه نقشه جوشقان دارد. مطلب دیگر این است که امروزه قالیچه هایی با عنوان حاج خانمی در مناطق دیگر شهری بافت ایران از جمله نایین و قم بافته می شود که برداشتی آزادانه است از این نقش و تا حدی از اصالت آن فاصله گرفته است. در نایین لوزی ها ساده گشته و اساس لوزی را خطوط محیطی آن می سازد و خبری از چیدمان لوزی-سان گل ها و شبکه ها به شیوه حاج خانمی نیست. در قم این نقشه بیش از آنکه یادآور کاشان و قزوین باشد به نقش «سبزیکار» کرمان شباهت دارد.

### نتیجه گیری

آنچه که دکتر پرهام درباره اطلاق نقش حاج خانمی به ناظم کشکولی آورده است، حاصل دو اتفاق است: یکی تصور غلط رایج در میان بازاریان که سبب آن شباهت کلی برخی قالی های گلدانی کاشان به نقش ناظم بوده است. دیگری کوشش حاجیه خانم جهان آرابی بی قشقایی می باشد در توسعه نقش ناظم و دیگر نقوش کشکولی، که این دو در کنار هم، دکتر پرهام و نیز تجار بازار فرش تهران را متقاعد کرده است که ناظم همان حاج خانمی است. اما تا آنجا که به موضوع این پژوهش و دستاوردهای آن مربوط می شود، نقش حاج خانمی هویتی مجزا و متفاوت از ناظم قشقایی دارد: این یکی از اساس و همواره شهری بافت بوده و هست، دیگری نقشی است عشایری و ایلیاتی و حاصل التقاط فرهنگ شبانی با هنر و تمدن شهرنشینی؛ این یکی نقشی لچک-ترنج همراه با شبکه های لوزی-سان گل های چندپر و نخل های شیوه یافته است، آن یکی طرحی نیمه و یک دوم دارد مشتمل بر نیم-سروهای مشبک در کناره ها و پرده ای پر چین و شکن که به زمینه ای از گلدان هزار گل گشوده شده است؛ اولی نقش حاج خانمی است که بیش از یک قرن پیش در کاشان و قزوین و دیگر جاها بافته شده است؛ دومی نقش ناظم است، کهن تر و بافت طایفه کشکولی از ایل قشقایی. ■



تصویر شماره ۲۹: تک-گلدان هزار گل ناظم در قالیچه تصویر شماره ۱.



تصویر شماره ۳۰: حاشیه های اصلی و فرعی در قالیچه حاج خانمی تصویر شماره ۲۲ (قیاس کنید با تصویر شماره ۶)

این سطور گمان می کند در بازار فرش تهران در حدود سه تا چهار دهه پیش نمونه های بیشتری از قالیچه تصویر شماره ۲۲ وجود داشته است و شباهت کلی طرح آن با ناظم ها سبب گشته تا این دو نقش یکسان پنداشته شوند. گمان می کنم لازم به ذکر نباشد که فرضیه وجود دو نقش حاج خانمی یعنی یکی حاج خانمی قشقایی و دیگری حاج خانمی کاشان از اساس باطل است، چه اینکه در هیچ بازار فرشی چه تهران و چه شیراز چنین مطلبی شناخته نیست.

در پایان این سخن دو مطلب باید گفته شود: نخست اینکه چندین سال پیش که در کاخ گلستان سرگرم پژوهش بر روی دستبافت های غنی و بی نظیر این مجموعه بودم، به قالیچه ای برخوردیم که شناسنامه اش آن را بافت کاشان (جوشقان) با نقشه «حاج خانی» (?) معرفی می کرد. اکنون

### منابع

- ۱- ادواردز، س. (۱۳۵۷). قالی ایران. (م. صبا، مترجم) تهران: انجمن دوستداران کتاب.
- ۲- پرهام، س. (۱۳۶۴). دستبافت های عشایری و روستایی فارس (جلد اول). تهران: امیرکبیر.
- ۳- پرهام، س. (۱۳۷۱). دستبافت های عشایری و روستایی فارس (جلد دوم). تهران: امیرکبیر.
- ۴- پرهام، س. (۱۳۷۵). شاهکارهای فرش بافی فارس. تهران: سروش.
- ۵- حشمتی رضوی، ف. (۱۳۸۷). تاریخ فرش، سیر تحول و تطور فرش بافی ایران. تهران: سمت.

